

زندگی نامه زنان صحابه
بقلم : عبدالکریم غریق
قسمت پنجم

اسماء دختر حارث

اسماء دختر حارث زوجه خطاب بن حارث جمحی است و او را ابن اسحاق در شمار کسانی که از اهالی مکه مسلمان شدند آورده و می گوید: خطاب و زنش اسماء دختر حارث از جمله کسانی بودند که در مکه ایمان آوردند.

همین مطلب را ابو نعیم نیز از طریق ابراهیم بن یوسف و به نقل از زیاد بن عبدالله بکائی¹ و او از محمد بن اسحاق نقل کرده است.

ابن اثیر جزری نیز در کتاب أسدالغابه آورده است که اسماء دختر حارث زوجه خطاب مخزومی بوده و زیاد بن عبدالله به نقل از ابن اسحاق در شمار کسانی که در مکه مسلمان شدند خطاب مخزومی و زوجه اش اسماء دختر حارث را آورده است.

وابوموسی نیز می نویسد که ابوعلی از ابو نعیم و او از محمد بن احمد بن حسن و او از محمد بن عثمان بن ابی شیبیه و او از منجاب² و او از ابراهیم بن یوسف و او از زیاد بن عبدالله بکائی و او از محمد بن اسحاق مطلب فوق را نقل کرده است.

(الاصابه صفحه 1631 ، أسدالغابه جلد هفتم صفحه 9 ، حیاة الصحابیات صفحه 56)

اسماء دختر رفید

اسماء دختر رفید را علامه دهخدا در لغت نامه اش به نقل از عیون الاخبار ابن قتیبه³ چنین یاد نموده است: از اسماء دختر رفید و او از پیامبر اسلام(ص) حدیث روایت شده است.

¹ زیاد بن عبدالله قیسی بکائی عامری : زیاد بن عبدالله بن طفیل قیسی بکائی عامری مکنی به ابو محمد و طبق گفته بعضی از مورخین به ابو یزید کوفی بوده و از عبدالملک بن عمیر، حمید طویل، عاصم حول، امش، منصور، حصین، محمد بن اسحاق، یزید بن ابی زیاد، حجاج بن أرتاة و جماعتی دیگر حدیث روایت نموده و از او احمد بن حنبل، احمد بن عیبه ضبی، ابو غسان نهدی، اسماعیل بن تویه، سهل بن عثمان، یوسف بن حماد، عمرو بن زراره، عبدالملک بن هشام سدوسی نحوی صاحب السیره، عبدالله بن سعید بن ابان اموی(که از نزدیکانش بوده) و دیگران روایت نموده اند اما بعضی از محدثین او را ضعیف گفته اند. ابن سعد و ابن معین وفات او را در سال 183 هجری قمری گفته و بعضی دیگر از مورخین در سال 182 هجری قمری نگاشته اند.

علامه دهخدا به نقل از کتاب اعلام زرکلی در باره وی می نویسد: زیاد بن عبدالله بن طفیل قیسی عامری بکائی مکنی به ابو محمد سیره نبوی را از محمد بن اسحاق روایت کرده و عبدالملک بن هشام همان سیره را از وی روایت نموده و مرتب ساخت. او از مردم کوفه و ثقات حدیث بوده و نسبت بکائی را از ربیع بن عامر بن صعصعه دارد.

تهذیب التهذیب جلد دوم صفحه 224 و 225 ، لغت نامه دهخدا جلد نهم صفحه 13050

² منجاب بن حارث تمیمی کوفی: منجاب بن حارث بن عبدالرحمن تمیمی کوفی مکنی به ابو محمد کوفی بوده و از علی بن مسهر، بشر بن عماره خثعمی، یزید بن مقدم بن شریح بن هانی، حصین بن عمر، احمسی، حاتم بن اسماعیل، ابی الاحوص، شریک، ابن مبارک، ابی عامر عقی و جماعتی دیگر حدیث روایت نموده و از او مسلم، ابن ماجه در تفسیرش به نقل از مردی و او از منجاب، ابو حاتم، ذهلی، ابو خثیمه، زهیر بن حرب، موسی بن اسحاق انصاری، محمد بن عثمان بن ابی شیبیه، بقی بن مخلد، احمد بن علی الأبار، جعفر بن محمد فریابی و دیگران روایت نموده اند. ابن حبان او را در شمار ثقات آورده و او، مطین و دیگران وفات او را در سال 231 هجری قمری نگاشته اند. علامه دهخدا به نقل از ابن الندیم می نویسد که منجاب بن حارث یکی از ادباء عرب بوده و بعضی کتاب سیره معاویه و بنی امیه را بدو نسبت کنند.

تهذیب التهذیب جلد پنجم صفحه 516 ، لغت نامه دهخدا جلد چهاردهم صفحه 21599

³ ابن قتیبه کوفی مروزی دینوری: ابو محمد عبدالله بن مسلم بن قتیبه کوفی مروزی دینوری. پدر او از مردم مروالروود و مولود او در رجب سال 213 هجری قمری به کوفه بوده و او ادیبی عالم به لغت، نحو، معانی قرآن، شعر، فقه و حدیث بوده است. و با اینکه در مذهب بصریین غلو داشت خلط هر دو مذهب(بصریین و کوفیین) می کرد چنانکه در کتب او از کوفیین نقل بسیار است. او در روایات خویش صادق و کثیرالتصنیف است و کتب او در نزد ادباء مرغوب و مقبول است. وی مدتی منصب قضاء دینور را داشت و از این رو به دینوری مشهور گشت و پس از آن در بغداد تدریس می کرد وفات او به سال 276 هجری قمری بوده است و تصانیف او عبارت اند از: 1- کتاب عیون الشعر و آن ده کتاب است 2- عیون الاخبار فی الادب والمحاضرات و آن محتوی ده کتاب است و بسیار معروف می باشد 3- آداب العشره 4- آداب القراءة 5- کتاب ادب الکاتب 6- کتاب الاختلاف الحدیث 7- کتاب اصلاح غلط ابی عبیده 8- تاویل مختلف الحدیث 9- تقویم اللسان 10- کتاب جامع الفقه 11- کتاب جامع النحو 12- الجوابات الحاضره 13-

(لغت نامه دهخدا جلد دوم صفحه 2472 به نقل از عیون الاخبار ابن قتیبه جزء 9 صفحه 231)

اسماء دختر رقاعة

اسماء دختر رقاعة را حمدالله مستوفی قزوینی در تاریخ گزیده ای خود ذکر کرده و چنین آورده است: اسماء بنت رقاعة یکی از زنانی است که رسول الله(ص) او را نکاح کرد و پیش از آنکه به رسول الله برسد نماند.

(تاریخ گزیده حمدالله مستوفی صفحه 161، لغت نامه دهخدا جلد دوم صفحه 2473)

اسماء دختر زید بن خطاب عدوی قرشی

اسماء دختر زید بن خطاب عدوی و برادرزاده حضرت عمر فاروق(رض) بوده و پیامبر اسلام(ص) را دیده است و محمد بن اسحاق از محمد بن یحیی بن حبان و او از عبیدالله بن عبدالله بن عمر و او از اسماء موصوفه حدیثی را روایت نموده که آنرا ابن منده و ابو نعیم استخراج کرده اند. و اما ابن حجر عسقلانی در کتاب الاصابه می نویسد که حدیث مذکور دلالت بر رویت اسماء نمی کند زیرا همین حدیث به روایت اسماء دختر زید از عبدالله بن عمر و او از عبدالله بن حنظله که در موضوع مساوات کردن در وضوء در جای دیگر است نیز آمده است. و ابو داؤود نیز روایتی دارد که دلالت می کند بر اینکه اسماء از همین قسم افراد بوده زیرا پدر اسماء در جنگ یمامه به شهادت رسید و جنگ یمامه⁴ مدت کمی بعد از وفات رسول اکرم(ص) بود و همین مطلب دلالت بر این دارد که شاید اسماء موصوفه در زمان رسول اکرم(ص) متولد گردیده باشد و معمول بود که وقتی برای صحابه فرزندی متولد می گردید او را تبرکا به نزد رسول اکرم(ص) می بردند.

ابو نعیم اصفهانی⁵ نیز در کتاب معرفة الصحابه اسم اسماء دختر زید بن خطاب عدوی را آورده و می نویسد: چنان که متأخرین ذکر کرده اند اسماء موصوفه رسول الله(ص) را دیده است و حدیثی را محمد بن اسحاق از

کتاب حکم الامثال 14- کتاب خلق الانسان 15 کتاب دلائل النبوة 16- کتاب دیوان الکاتب 17- طبقات الشعراء 18- کتاب غریب الحدیث 19- کتاب غریب القرآن 20- کتاب فرائد الدرر 21- کتاب الاشریبه 22- کتاب الالواء 23- کتاب الحکایة والمحکى 34- کتاب التسویه بین العرب والعجم 25- کتاب التفتیة 26- کتاب الخیل 27- کتاب الرد علی المشبهه 28- کتاب الشعروالشعراء 29- کتاب العلم 30- کتاب القرائت 31- کتاب المراتب والمناقب 32- کتاب المعارف فی التاریخ 33- کتاب المیسروالقداح 24- مختلف الحدیث 35- مشکلات القرآن 36- معانی الشعر که محتوی دوازده کتاب است 37- کتاب اعراب قرآن 38- کتاب المشکل 39- کتاب مسائل والجوابات 40- کتاب تعبیر الرویاء 41- کتاب الرحل والمنزل 42- کتاب الامامة والسیاسة. کشف الظنون حاجی خلیفه جلد پنجم صفحه 362، لغت نامه دهخدا جلد اول صفحه 384

⁴ یمامه: یک خطه بزرگ از جزیره العرب است که مسیلمه کذاب از آنجا ظهور کرد و می گویند که آن عبادت بوده است از نجد، تهامه، بحرین و عمان. و در جنگی که خالد بن ولید بر سر کوی و منکوب ساختن وی بدانجا لشکر کشی نمود بنام جنگ یمامه معروف شد. لغت نامه دهخدا جلد 15 صفحه 23852 به نقل از کتاب اعلام ترکی و ناظم الاطباء

⁵ ابو نعیم اصفهانی: احمد بن عبدالله بن احمد بن اسحاق بن موسی بن مهران اصفهانی امام، علامه، ثقة، حافظ، شهیر و مشهور به ابو نعیم اصفهانی بوده و از اعلام محدثین می باشد. نامبرده در ماه رجب سال 336 و به قولی در سال 334 هجری قمری در شهر اصفهان که در آن وقت یکی از بلاد پر آوازه در ساحت نشو علماء و نشر علم و فرهنگ بود پا به عرصه وجود گذاشت.

مهران اولین کس از اجداد ابو نعیم بود که مسلمان شد و او از موالی عبدالله بن معاویه بن عبدالله بن جعفر بن ابو طالب بود. پدر ابو نعیم عبدالله در ماه رجب سال 365 هجری قمری در گذشت. ابو نعیم در طلب علم به شهر های بغداد، مکه، بصره، کوفه و نیشابور سفر کرد و با اکثر علمای آن بلاد دیدار و از محضر شان کسب علم نمود که تعدادی از اساتید بزرگ وی قرار ذیل اند:

- 1 ابراهیم بن عبدالله بن اسحاق مکنی به ابواسحاق اصفهانی و معروف به قصار.
- 2 ابراهیم بن محمد بن یحیی مکنی به ابو اسحاق مزکی.
- 3 احمد بن جعفر بن حمدان بن مالک مکنی به ابوبکر قطیفی.
- 4 احمد بن یوسف بن خالد مکنی به ابوبکر عطار.
- 5 حبیب بن حسن بن داؤود مکنی به ابوالقاسم قزاز.
- 6 حسن بن محمد بن احمد بن کیسان مکنی به ابومحمد حربی.
- 7 سلیمان بن احمد مکنی به ابوالقاسم طبرانی امام معروف.
- 8 عبدالله بن محمد بن جعفر مکنی به ابی شیخ امام مشهور.
- 9 فاروق بن عبدالکبیر مکنی به ابوحفص خطابی.
- 10 محمد بن ابراهیم بن علی بن عاصم مکنی به ابوبکر اصفهانی و معروف به حافظ ابن مقرئ.
- 11 محمد بن احمد بن ابراهیم مکنی به ابو احمد عسال.
- 12 محمد بن احمد بن حسن مکنی به ابو علی و معروف به ابن صواف.
- 13 محمد بن احمد بن حمدان مکنی به ابو عمرو حیری.
- 14 محمد بن جعفر مکنی به ابوبکر بغدادی و معروف به غندر.

15 محمد بن علی بن حبیب مکنی به ابو حسین ناقد.

و بعضی از شاگردان ابو نعیم اشخاص زیر می باشند:

1 احمد بن عبدالله بن ثابت بن احمد بن بن مهدی مکنی به ابوبکر خطیب صاحب تاریخ بغداد.

2 حسن بن احمد بن حسن حداد اصفهانی.

3 عبدالواحد بن محمد بن احمد معروف به صباغ اصفهانی.

4 یوسف بن حسن بن محمد زنجانی فقیه.

برخی از آثار ابو نعیم به شرح ذیل است:

1 کتاب حلیة الأولیاء و طبقات الاصفیاء که ابن خلکان او را از بهترین کتابها گفته و امام ابوالفرج عبدالرحمن بن جوزی آنرا بنام صفوة الصفوه اختصار کرده است.

2 کتاب معرفة الصحابة که در شرح احوال صحابه رسول الله(ص) می باشد.

3 دلائل النبوة که در سال 1320 در حیدر آباد هند و بار دیگر در دار الکتاب العربی در بیروت لبنان به چاپ رسیده است.

4 تاریخ اصفهان که در دو جلد آنرا دارالکتب العلمیة چاپ کرده است.

5 صفة الجنة که در سال 1406 در دارالمأمون به چاپ رسیده است.

6 فضیلة العادلین من الولاة که آنرا دارالوطن چاپ کرده است.

7 فضائل الخلفاء الاربعة و غیرهم که در سال 1417 در مدینه منوره به چاپ رسیده است.

8 کتاب الاربعین علی مذهب المحققین من الصوفیه که استاد بدر البدر آنرا تحقیق و طبع نموده است.

9 کتاب تثبیت الامامه و ترتیب الخلافة که آنرا ابراهیم علی تهامی تحقیق و طبع نموده است.

10 کتاب تسمیة ما انتهى الینا من الرواة عن سعید بن منصور عالیاً که در سال 1409 در ریاض به طبع رسیده است.

11 کتاب تسمیة ما انتهى الینامن الرواة عن ابی نعیم فضل بن وکین عالیاً که در دارالعاصمه در سال 1409 به طبع رسیده است.

12 کتاب ذکر من اسمه شعیة که در مکتبةالغرباءالاثریه در سال 1418 به طبع رسیده است.

13 کتاب مجلس من امالی ابو نعیم که در مطبعه دار الصحابه در سال 1410 در مصر به طبع رسیده است.

14 کتاب مسند امام ابوحنیفه که در مطبعه کوثریه ریاض در سال 1415 به طبع رسیده است.

15 کتاب مسانید ابی یحیی فراس بن یحیی که آنرا حسن مصری تحقیق و در سال 1413 به طبع رسانیده است.

16 کتاب مستخرج علی صحیح مسلم که آنرا محمد حسن شافعی تحقیق و در سال 1417 در مکه مکرمه به طبع رسیده است.

17 کتاب جزء فیه طریق الحدیث که در سال 1413 در مدینه منوره به چاپ رسیده است.

18 منتخب من کتاب الشعراء که آنرا سعدالسعدنی تحقیق و به طبع رسانیده است.

19 کتاب ریاضةالابدان که آنرا دارالعاصمه ریاض چاپ نموده است.

20 کتاب أطراف الصحیحین اعنی بخاری و مسلم.

21 کتاب حرمةالمساجد.

22 فضل العالم العقیف.

24 کتاب عرف الوردی فی اخبارالمهدی.

25 معجم الشیوخ که آنرا حافظ ابوبکر محمد بن یوسف بن موسی غرناطی معروف به ابن سدی در سال 633 هجری قمری در شش مجلد جمع آوری نموده است.

26 کتاب فضائل الصحابه.

27 کتاب ریاض المتعلم.

28 کتاب استخراج بر توحید ابن خزیمه.

29 کتاب الیوم والليلة.

30 کتاب المهدی.

31 کتاب الصلوة.

32 کتاب طبقات.

33 کتاب الرياضة والادب.

34 کتاب زینةالمتعلمین.

35 کتاب طب النبی که آنرا رادمیری منسوب به او دانسته است.

36 کتب حلیةالابرار.

37 کتاب الفتن.

38 کتاب الفوائد.

39 کتاب مختصرالاستیعاب.

40 کتاب منازل من القرآن فی امیرالمومنین.

وفات ابو نعیم را در ماه صفر و به قول بعضی از مورخین در بیست و یکم ماه محرم سال 430 هجری قمری به عمر 94 سالگی در اصفهان بوده است. جالب اینجاست که یکی از نویسندگان برادران اهل تشیع در کتابش بنام معالم العلماء می نویسد که امیر محمد حسین خاتون آبادی یکی از اسباط مجلسی علیه الرحمه آرد که : و هم از مشاهیر علماء عامه که من به تشیع آنان آگاهی یافتم یکی حافظ ابو نعیم محدث اصفهانی صاحب حلیة الأولیاء است و او از اجداد جد من مجلسی است و تشیع او را جد من از پدر و او از پدران خویش روایت کرده است وی ظاهراً از مشاهیر محدثین عامه است و لیکن در باطن از خلص شیعه بوده و به تقیه خود را از عامه می نموده است و از اینجاست که کتاب حلیة الأولیاء او محتوی به احادیثی در مناقب امیرالمومنین است که در کتب دیگر یافت نمی شود و مدار علماء ما در استدلال به اخبار مخالفین بر استخراج این احادیث این کتاب اوست. که این صحبت پوچ و بی مایه است و اساسی ندارد و ابو نعیم اصفهانی یکی از برجسته گان علمای عامه(اهل سنت و جماعت) می باشد.

محمد بن یحیی بن حبان⁶ و او از عبیدالله بن عبدالله بن عمر⁷ و او از اسماء دختر زید روایت نموده است اما چیز دیگری بر این مطلب زیاد نکرده اند. و صاحب کتاب اعلام النساء آورده است که اسماء دختر زید بن خطاب عدوی راوی از راویان حدیث است و عبدالله بن حنظله بن عامر متوفی سال 63 هجری قمری حدیثی را از وی روایت نموده که همان حدیث را از وی عبدالله بن عبدالله بن عمر متوفی سال 105 هجری قمری روایت کرده و آنرا ابو داؤد⁸ آورده است.

لغت نامه دهخدا جلد اول صفحه 947 و 948
مقدمه کتاب معرفة الصحابه جلد اول صفحه 8، 9 و 10
مقدمه کتاب حلیة الاولیاء جلد اول صفحه 5 و 6

⁶ محمد بن یحیی انصاری مازنی: محمد بن یحیی بن حبان بن منذ بن عمرو بن مالک بن حسان بن مبدول بن عمرو بن غنم بن مازن بن نجار انصاری مازنی مکنی به ابو عبدالله مدنی فقیه از جمله تابعین بوده و از پدر و عمویش و رافع بن خدیج و انس بن مالک و عباد بن تمیم و یحیی بن عماره بن ابی حسن انصاری و اعرج و عمرو بن سلیم زرقی و مالک بن بحنیه و ابی عمره مولای زید بن خالد و عبدالله بن محیریز و یوسف بن عبدالله بن سلام و دیگران حدیث روایت نموده و از او زهری، یحیی بن سعید انصاری، عبدریه بن سعید، ربیعہ بن ابی عبدالرحمن، ربیعہ بن عثمان تمیمی، ابن عجلان، ابن اسحاق، عبیدالله بن عمر، ضحاک بن عثمان، اسماعیل بن امیه، عمرو بن یحیی بن عماره، موسی بن عقبه، مالک، لیث و دیگران روایت نموده اند.

ابن معین، ابو حاتم و نسائی او را ثقه گفته و ابن حبان او را در ثقات آورده و واقدی می گوید: او را حلقه درسی در مسجد مدینه بوده و فتوا می داده و کثیر الحدیث بوده است. نامبرده در مدینه در سال 121 هجری قمری به سن 74 سالگی درگذشت.

تهذیب التهذیب جلد پنجم صفحه 302، تقریب الثقات صفحه 1127

⁷ عبیدالله بن عبدالله عدوی مدنی: عبیدالله بن عبدالله بن عمر بن خطاب عدوی مدنی مکنی به ابوبکر برادر پدر مادری سالم بن عبدالله فقیه مشهور بوده که ادر ایشان ام ولد می باشد. وی از پدرش عبدالله بن عمر، ابو هریره و صمیته لیثیه حدیث روایت نموده و از او پسرش قاسم و نواسه اش خالد بن ابوبکر بن عبیدالله و عیسی بن حفص بن عاصم بن عمر و برادرزاده وی عبیدالله بن عمر بن حفص و زهری و محمد بن جعفر بن زبیر و ابو اسود یتیم عروه و ابویشر جعفر بن ابی وحشیه و محمد بن اسحاق و دیگران روایت نموده اند.

واقدی گفته است: وی چنانکه آورده اند از عبدالله بن عمر بزرگتر بوده و ثقه و قلیل الحدیث می باشد. ابو زرعه و نسائی او را ثقه گفته و ابن حبان او را در شمار ثقات آورده و می گوید وی یک سال قبل از سالم وفات یافته است و دیگران گفته اند که نامبرده در زمان ولایت عبدالواحد بصری وفات یافته و عبدالواحد بصری در سال 160 هجری قمری عزل گردیده است و ابن حجر عسقلانی آورده که عجلی می گوید: موصوف تابعی ثقه بوده است.

تهذیب التهذیب جلد چهارم صفحه 19، تقریب الثقات صفحه 313

⁸ ابو داؤد سجستانی حنبلی ازدی: سلیمان بن اشعث بن اسحاق بن بشیر (در بعضی از روایات اسحاق و بشیر را نیاورده اند) بن شداد بن عمرو بن عمران (عمران موصوف در جنگ صفین به طرفداری از حضرت علی اشتراک داشت و در آن جنگ به قتل رسید) ازدی معروف به حافظ ابو داؤد سجستانی حنبلی اصلاً از سیستان بوده و صاحب یکی از شش کتاب بزرگ حدیث می باشد وی در سال 202 هجری قمری متولد گردیده و دوران کودکی را در نیشابور گذرانید و با فرزندان اسحاق بن راهویه در یک مکتب سبق می خواند و آنگاه که هنوز سن او به ده سالگی نرسیده بود نزد محمد بن اسلم طوسی استملاء حدیث می کرد سپس به بصره رفت و بدانجا اقامت گزید و چند کثرت به بغداد سفر نمود و از عده ای کثیری از روایان حدیث در حرین شریفین، عراق، خراسان، شام، مصر و جزیره از جمله احمد بن حنبل، احمد بن صالح، مسلم بن ابراهیم، احمد بن عبید، سلیمان بن حرب، ابی سلمه تبوکزی، ابوالولید طیالسی، محمد بن کثیر عبیدی، ابی عمر حوضی، ابی توبه حلبی، سلیمان بن عبدالرحمن دمشقی، سعید بن سلیمان واسطی، صفوان بن صالح دمشقی، ابو جعفر نفیلی، احمد، علی، یحیی، اسحاق و دیگران روایت حدیث نموده و از او ابو علی محمد بن احمد بن عمر، لؤلؤی، ابوالطیب احمد بن ابراهیم بن عبدالرحمن اشعری، ابو عمرو احمد بن علی بن حسن بصری، ابو سعید احمد بن محمد بن زیاد اعرابی، ابوبکر محمد بن عبدالرزاق بن داسه، ابوالحسن علی بن حسن بن عبد انصاری، ابو عیسی اسحاق بن موسی بن سعید رملی و راقه، ابواسامه محمد بن عبیدالملک بن یزید الرواس، (که همین گروه سنن از وی روایت نموده اند) ابو عبدالله محمد بن احمد بن یعقوب متولی بصری (که کتاب الرد علی اهل القدر از او می باشد)، ابوبکر احمد بن سلیمان نجار (که کتاب الناسخ والمنسوخ از او می باشد) حافظ ابو عبید محمد بن علی بن عثمان آجری (که کتاب المسائل از او می باشد)، اسماعیل بن محمد مصفار که راوی مسند امام مالک است، ابو عبدالرحمن نسائی، ابو عیسی ترمذی، حرب بن اسماعیل کرمانی زکریا ساجی، ابوبکر احمد بن محمد بن هارون خلال حنبلی، عبدالله بن احمد بن موسی عیدان اهوازی، ابویشر محمد بن احمد دولابی، ابو عوانه یعقوب بن اسحاق اسفرینی و پسرش ابوبکر بن ابی داؤد، ابوبکر عبدالله بن محمد بن ابی الدنیا، ابراهیم بن حمید بن ابراهیم بن یونس عاقولی، ابوحامد احمد بن جعفر اصفهانی، احمد بن معلی بن یزید دمشقی، احمد بن محمد بن یاسین هروی، حسن بن صاحب شاشی، حسین بن ادريس انصاری، عبدالله بن محمد بن عبدالکریم رازی، علی بن عبدالصمد ناعمه، محمد بن مخلد دوری، محمد بن جعفر بن مستفاض فریابی، ابوبکر محمد بن یحیی صولی و جماعتی دیگر روایت نموده اند.

آجری می گوید: ابو داؤد در سال 202 هجری قمری متولد گردیده و در سال 220 به بغداد رفت. و احمد بن محمد بن یاسین هروی گفته است که ابو داؤد یکی از حفاظ اسلام در علم حدیث به درجه عالی در علم، علل و سنداز روی پاک، عفاف، صلاح و پرهیزگاری بود و محمد بن اسحاق صغانی و ابراهیم حربی می گویند: علم حدیث در دستان ابو داؤد مانند آهن در دستان حضرت داؤد (ع) بود.

ابن حبان و ابن منده نامبرده را در شمار زنان صحابه ذکر کرده اند اما بعضی دیگر از مؤرخین او را تابعی گفته اند. و در کتاب تهذیب التهذیب آمده است که از اسماء دختر زید بن خطاب عدوی عبدالله بن حنظله بن ابی عامر الغسیل حدیث روایت نموده است.

(الاصابه صفحه 1631 ، أسدالغابه جلد هفتم صفحه 9 ، حياة الصحابیات صفحه 53 ، معرفة الصحابه جلد پنجم صفحه 188 ، اعلام النساء جلد اول صفحه 54 ، تهذیب التهذیب جلد ششم صفحه 529)

اسماء دختر سعید بن زید قرشی عدوی

اسماء دختر سعید بن زید بن عمرو بن نفیل قرشی عدوی بوده او و پدرش هر دو از جمله صحابه رسول الله (ص) بوده اند.

و دار قطنی حدیثی را به نقل از حفص بن غیاث و او از ابی حرمله⁹ و او از پدرش و او از رباح بن عبدالرحمن¹⁰ و او از مادر بزرگ خود آورده که می گوید: از پیامبر اسلام (ص) شنیدم که می گفتند: (لاصلاة لمن لاوضوء له.....) الحدیث نمازی نیست کسی که او را وضوی نبوده باشد. و بیهقی¹¹ حدیث مذکور را استخراج نموده و می گوید: اسماء دختر سعید بن زید مادر بزرگ رباح بن عبدالرحمن بوده است.

موسی بن هارون می گوید: خداوند ابو داوود را در دنیا برای حدیث و در آخرت برای بهشت آفریده است و حافظ ابو حاتم محمد بن حبان بستی خراسانی گفته است: ابو داوود یکی از ائمه از روی فقاقت، حفظ، پاکي، پرهیزگاری و اتقان بود. و ابن منده می گوید: کسانی که ثابت را از معلول و خطاء را از ثواب در علم حدیث بیرون نمودند چهار کس بودند: بخاری، مسلم و بعد از آنها ابو داوود و نسائی و حاکم گفته است: ابو داوود امام الحدیث در عصر خود بود و ابن خلکان آورده است: او یکی از بزرگترین حفاظ حدیث در دانشن و علل بود و به درجه عالی از پاکي و سلاح قرار داشت و شیخ ابو اسحاق شیرازی او را از اصحاب امام احمد حنبل شمرده است و ابوبکر بن راشد در تصحیح المصابیح از ابو داوود حکایت کند که می گفت: از پیامبر (ص) پنجصد هزار حدیث نوشتم و چهار هزار و هشتصد حدیث از آن عده کثیر برگزیدم و آن کتاب سنن است. بنا به قول ابو عبید آجری نامبرده چهار روز باقیمانده از ماه شوال سال 275 هجری قمری وفات یافت.

تصانیف ابو داوود عبارت اند از: 1- دلائل النبوة 2- السنن فی الحدیث 3- کتاب التقرید فی السنن 4- کتاب المراسیل 5- کتاب المسائل التي سنل عنها الامام احمد 6- ناسخ القرآن و منسوخه 7- کتاب اختلاف المصاحف که آنرا ابن الندیم نام برده است.

(کشف الظنون جلد پنجم صفحه 324 ، تهذیب التهذیب جلد دوم صفحه 390، 391 و 392 ، تقریب الثقات صفحه 557 ، لغت نامه دهخدا جلد اول صفحه 635)

⁹ ابو حرمله اسلمی: عبدالرحمن بن حرمله بن عمرو بن سنه مکنی به ابو حرمله اسلمی از جمله اتباع تابعین و از اهالی مدینه بوده و از سعید بن مسیب، حنظله بن علی اسلمی، عمرو بن شعیب، عبدالله بن نيار بن مکرم اسلمی، ثمامه بن شفی ابو علی همدانی، ثمامه بن وائل ابی ثفال مری، ام حبیبه دختر ذویب مزنی و دیگران حدیث روایت نموده و از او ثوری، اوزاعی، مالک، سلیمان بن بلال، ابی الزناد، دروردی، اسماعیل بن جعفر، حاتم بن اسماعیل، بشر بن مفضل ابن علیه، قطن، علی بن عاصم و گروهی دیگر روایت نموده اند. ابن حبان او را در شمار ثقات آورده اما می گوید خطاء می کرده است و او را در سال 145 هجری قمری گفته اند.

تهذیب التهذیب جلد سوم صفحه 334 و 335 ، تقریب الثقات صفحه 751

¹⁰ رباح بن عبدالرحمن عامری حویطی مدنی: رباح بن عبدالرحمن بن ابی سفیان بن حویطب بن عبدالعزی عامری مکنی به ابوبکر حویطی بنا به گفته ذهبی قاضی مدینه بوده است. نامبرده از مادر بزرگش اسماء دختر سعید بن زید بن عمرو بن نفیل و ابوهریره و محمد بن عبدالرحمن بن ثوبان حدیث روایت نموده و از او ابراهیم بن سعید و ابو ثفال مری و دیگران روایت نموده اند. ابن حبان او را از جمله ثقات و از اتباع تابعین شمرده و صریفینی می گوید: وی در سال 133 هجری قمری در نهر بطرس به قتل رسیده است.

تهذیب التهذیب جلد دوم صفحه 143 و 144 ، تقریب الثقات صفحه 449

¹¹ امام بیهقی: احمد بن حسین بن علی بن عبدالله بن موسی بیهقی خسرو گردی معروف به امام بیهقی، حافظ، محدث و فقیه شافعی از کبار اصحاب حاکم ابی عبدالله بن ربیع در حدیث و شاگرد ابوالفتح ناصر بن محمد عمری مروزی در فقه بود. او در طلب حدیث بیشتر از اقطاع مسلمانی را بیپیمود و در آخر به دعوت اهل نیشابور در نیشابور متوطن گشت و هم بدانجا درگذشت. مولد او بخسرو گرد به سال 384 هجری قمری و وفات او به نیشابور در سنه 454 هجری قمری بوده و اوراست: 1- کتاب سنن الکبیر 2- کتاب سنن الصغیر 3- کتاب دلائل النبوة 4- کتاب السنن و الآثار 5- کتاب شعب الایمان 6- کتاب مناقب الشافعی 6- کتاب مناقب احمد بن حنبل 7- کتاب اثبات عذاب القبر. لغت نامه دهخدا جلد اول صفحه 599

و در کتاب تهذیب التهذیب آمده است که ابو ثفال مری¹² از رباح بن عبدالرحمن و او از مادر بزرگش و او از پدرش حدیث: (لاوضوعلمن لم یذکر اسم الله تعالی علیه) وضوی نیست کسی را که اسم الله تعالی را بر آن یاد نکند را روایت نموده و بیهقی گفته است که مادر بزرگ رباح همان اسماء دختر سعید بن زید است. و باز صاحب کتاب تهذیب التهذیب می گوید: ابن حبان گفته است که ابو ثفال از روی حدس و گمان اسم دختر سعید بن زید را آورده و بصورت یقین نمیدانسته که اسم او چیست.

(الاصابه صفحه 1631، حیاة الصحابیات صفحه 54، تهذیب التهذیب جلد ششم صفحه 529)

اسماء دختر سلمه تمیمی دارمی

اسماء دختر سلمه (سلامه) بن مخربه بن جندل بن ابیر بن نهشل بن دارم تمیمی دارمی مکنی به ام جلاس بوده است. موصوفه را ابن اسحاق ذکر کرده و می گوید: اسماء دختر سلمه (سلامه) و شوهرش عیاش ابن ابی ربیع بن مغیره مخزومی از جمله کسانی اند که در مکه مسلمان شدند. ابو عمر نیز ذکر وی را آورده و می گوید: اسماء دختر سلمه (سلامه) بن مخرمه از جمله زنان مهاجر به سرزمین حبشه بود وی به همراه شوهر خود به حبشه مهاجرت کرد و در آنجا از ایشان عبدالله بن عیاش بن ابی ربیع متولد گردید و بعدا به مدینه مهاجرت کرد وی مکنی به ام الجلاس بوده از پیامبر (ص) حدیث روایت نموده و از وی پسرش عبدالله بن عیاش بن ابی ربیع روایت نموده است. و اما ابن اثیر جزری در کتاب أسدالغابه می نویسد که ابن منده و ابو نعیم گفته اند: اسماء دختر مخربه تمیمی مکنی به ام الجلاس مادر عیاش و عبدالله پسران ابی ربیع مخزومی بوده و از وی عبدالله بن عیاش و ربیع دختر معوذ حدیث روایت نموده اند و همچنین ابن منده و ابو نعیم از عبدالله بن حارث و او از عبدالله بن عیاش بن ابی ربیع روایت نموده که می گوید: پیامبر اسلام (ص) به خانه ابی ربیع به جهت عیادت مریمی و یا مسئله دیگری داخل شدند و اسماء تمیمی مکنی به ام جلاس که مادر عیاش بن ابی ربیع بود برای پیامبر اسلام (ص) گفت: یا رسول الله آیا مرا نصیحت نمی کنید؟ پیامبر اسلام (ص) فرمود: نصیحت می کنم ترا که آنچه را برای خود دوست داری برای خواهرت نیز بخواه..... الحدیث

اما ابن حجر عسقلانی می گوید: ابن منده در شرح حال اسماء دختر سلامه شرح حال عمه اش اسماء دختر مخربه را خلط ساخته است زیرا مادر عیاش بن ابی ربیع همان مادر ابوجهل و حارث پسران هشام بن مغیره می باشد و اسم آن اسماء بن مخربه بوده و نامبرده عمه اسماء دختر سلمه بن مخربه زوجه عیاش مذکور است. و ابن عبدالبر قرطبی صاحب کتاب الاستیعاب می نویسد: اسماء دختر سلمه بن جندل بن ابیر بن نهشل بن دارم دارمی تمیمی زوجه عیاش بن ابی ربیع بوده و همراه شوهرش به سر زمین حبشه مهاجرت کرده و در آنجا از وی عبدالله بن عیاش متولد گردیده و بعدا به مدینه مهاجر شده است. کتیه وی ام الجلاس می باشد. نامبرده از پیامبر اسلام حدیث روایت نموده و پسرش عبدالله از وی روایت کرده است.

و محمد بن سعد در کتاب طبقات خود می نویسد: اسماء دختر سلامه بن مخربه بن جندل بن ابیر بن نهشل بن دارم از خاندان تمیم است. مادرش سلمی دختر زهیر بن ابیر بن نهشل بن دارم و او هم از خاندان تمیم است. اسماء از دیر باز در مکه مسلمان شد و بیعت کرد و در هجرت دوم به حبشه همراه شوهرش عیاش بن ابی ربیع بن مغیره بن عبدالله بن عمر بن مخزوم به آن سرزمین هجرت کرد و همانجا عبدالله بن عیاش را زانید. و صاحب کتاب اعلام النساء می نگارد: اسماء دختر سلامه بن مخرمه از جمله مهاجرینی است که به همراه شوهرش اول به سرزمین حبشه و بعد به مدینه هجرت کرد و از رسول الله (ص) حدیث روایت نموده و از او پسرش عبدالله بن عیاش و نیز ربیع دختر معوذ حدیث روایت نموده اند.

¹² ابو ثفال مری: ثمامه بن وائل بن حصین بن حمام مکنی به ابو ثفال مری (منسوب به یکی از قبائل) یکی از شعراء عرب بوده و از ابوبکر بن رباح بن عبدالرحمن بن ابی سفیان بن حویطب بن عبدالعزی و ابوهیره حدیث روایت نموده و از او عبدالرحمن بن حرمه اسلمی، عبدالعزیز الدراوردی، یزید بن عیاض بن جعدبه و دیگران روایت نموده اند. بخاری میگوید: روایت حدیث وی قابل تامل است و ترمذی و ابن ماجه یک حدیث از وی در باره وضوء آورده اند و بزار گفته است که ثمامه بن حصین مشهور است و ابن حبان او را از جمله ثقات و در شمار تبع تابعین و در طبقه چهارم آورده است.

و ابن حجر عسقلانی می گوید: در اشعار خاندان مره و در نسب ایشان خواندم که ابو ثفال را چنین معرفی کرده بودند: وائل بن هاشم بن حصین بن معیه بن حمام بن ربیع بن مساب بن حزامه بن وائله بن سهم بن مره. وی مردی حکیم و دانشمند بود.

(الاصابه صفحه 1631، أسدالغابه جلد هفتم صفحه 9 و 10، حیاة الصحابیات صفحه 53 و 54، الاستیعاب جلد چهارم صفحه 346، طبقات ابن سعد جلد هشتم صفحه 312 و 313، اعلام النساء جلد اول صفحه 55)

اسماء دختر سمی

اسماء دختر سمی را مسدد¹³ در مسند خود ذکر کرده و در حدیثی که یحیی قطان¹⁴ به نقل از ابی مسکین¹⁵ و او به روایت از ابا محلم آورده از وی نامبرده شده است.
(الاصابه صفحه 1631، حیاة الصحابیات صفحه 55)

¹³ مسدد بن سرهد بصری اسدی: مسدد بن سرهد بن سرهد بن مسربل بصری اسدی مکنی به حافظ ابوالحسن از عبدالله بن یحیی بن ابی کثیر و هیتیم و یزید بن زریع و عیسی بن یونس و فضیل بن عیاض و مهدی بن میمون و جویریة بن اسماء جعفر بن سلیمان و حماد بن زید و ابی الاحوص و عبدالواحد بن زیاد و عبدالوارث بن سعید و محمد بن جابر سحیمی و معتمر بن سلیمان و باذام بن عمرو و ابی عوانه و یوسف بن ماجشون و ابی الاسود حمید بن اسود و جراح بن ملیح و وکیع و قطان و ابن علیہ و بشر بن مفضل و خالد بن عبدالله واسطی و خالد بن حارث و مردمانی دیگر حدیث روایت نموده از او بخاری، ابو داوود، ترمذی، نسائی، بواسطه محمد بن محمد بن خالد باهلی و احمد بن محمد بن مدویہ و ابراهیم بن یعقوب جوزجانی و احمد بن سعید دندانی و حسن بن احمد بن حبیب کرمانی و ابوزرعہ و ابو حاتم رازیان و محمد بن یحیی ذہلی و پسرش یحیی و اسماعیل بن اسحاق قاضی و برادرش حماد بن اسحاق و یعقوب بن سفیان و یعقوب بن شیبہ و معاذ بن منثی و یوسف بن یعقوب قاضی و ابوخلیفہ و دیگران روایت نموده اند نامبرده در سال 228 هجری قمری وفات یافت. ابن عدی می گوید: وی اولین کسی است که در بصره مسندی را تصنیف نموده است و در کتاب منتهی الارب مسدد را به معنی مرد راستکار و راست گفتار آورده است و در تاریخ مسیحی اسم مسدد را عبدالملک بن عبدالعزیز گفته است و محمد بن حبان بستی در کتاب تقریب الثقات او را در شمار ثقات آورده است و می نویسد: مسدد بن سرهد بن مسربل اسدی مکنی به ابوالحسن از جمله تبع تابعین و از اهالی بصره بوده و در سال 228 هجری قمری وفات یافته است.

تہذیب التہذیب جلد پنجم صفحه 395 و 396، لغت نامه دهخدا جلد سیزدهم صفحه 20865 و 20866، تقریب الثقات صفحه 1144

¹⁴ یحیی قطان تمیمی بصری: یحیی بن سعید بن فروخ تمیمی بصری مکنی به ابوزکریا یا ابو سعید محدث عصر خود و از اصحاب حضرت صادق(رض) است و از گفته شیخ طوسی می توان ثقہ بودن وی را استظهار کرد. وی به سال 198 هجری قمری در گذشت. و امام حافظ ابن حبان بستی خراسانی در کتاب تقریب الثقات می نویسد: یحیی بن سعید بن فروخ قطان مکنی به ابو سعید احوال از اتباع تابعین و از موالی بنی تمیم و از اهالی بصره و از سرداران زمانه خود در حفظ، پرهیزگاری، عقل، فهم، دانش، دینداری و علم بوده و در سال 198 هجری قمری وفات یافته است.

ابن حجر عسقلانی در کتاب تہذیب التہذیب می نویسد: یحیی بن سعید بن فروخ قطان تمیمی مکنی به ابو سعید بصری و معروف به احوال یکی از حافظان حدیث بوده و از سلیمان تمیمی، حمید طویل، اسماعیل بن ابی خالد، عبیدالله بن عمر، یحیی بن سعید انصاری، هشام بن عروہ، عکرمہ بن عمار، یزید بن ابی عبید، ابان بن صمعه، بہز بن حکیم، جعفر بن محمد بن علی بن حسین، جعفر بن میمون، امعش، حسین معلم، ابن جریج، اوزاعی، مالک، ابن عجلان، ابی صخر حمید بن زیاد، حسن بن ذکوان، حاتم بن ابی صغیرہ، خیم بن عراق، سلیم بن حیان، شعبہ، سفیان ثوری، ابن ابی عروبہ، سیف بن سلیمان، عبدالله بن سعید بن ابی ہند، عبدالحمید بن جعفر، عبدالملک بن ابی سلیمان، عثمان بن غیاث، عثمان بن اسود، عبیدالله بن اخنس، عوف اعرابی، عمران قصیر، قرہ بن خالد، فضیل بن غزوان، یزید بن کیسان، منثی بن سعید ضبعی و مردمان زیادی دیگر حدیث روایت نموده از او پسرش محمد بن یحیی بن سعید و نواسه اش احمد بن محمد و احمد و اسحاق و علی بن مدینی و یحیی بن معین و عمرو بن علی فلاس و مسدد و ابوبکر بن ابی شیبہ و ابوخیثمہ و بشر بن حکم و صدقہ بن فضل و ابوقدامہ سرخسی و عبیدالله بن عمر قواریری و بندار و ابو موسی و یعقوب دورقی و محمد بن ابی بکر مقدمی و ابو کامل جحدری و مردمان زیادی دیگر روایت نموده اند. وی در سال 120 هجری قمری متولد و در سال 198 هجری قمری وفات یافته است.

حاجی خلیفہ در کتاب کشف الظنون آورده است: ابو سعید یحیی بن سعید بن فروخ تمیمی بصری معروف به حافظ احوال و مشہور به قطان بصری در سال 198 هجری قمری وفات یافته و او راست کتاب المغازی.

لغت نامه دهخدا جلد یازدهم صفحه 17627، تقریب الثقات صفحه 1289، تہذیب التہذیب جلد ششم صفحه 135، 136 و 137، کشف الظنون جلد ششم صفحه 400

¹⁵ ابو مسکین اودی: حر بن مسکین اودی مکنی به ابو مسکین از ہزبل بن شرحبیل حدیث روایت کرده و از او ثوری روایت نموده است و محمد بن حبان بستی در کتاب تقریب الثقات او را از اتباع تابعین و مولای نخب گفته و نامبرده را در شمار ثقات آورده است.

تہذیب التہذیب جلد اول صفحه 517 و جلد ششم صفحه 429، تقریب الثقات صفحه 343

اسماء دختر شکل

اسماء دختر شکل را صاحب صحیح مسلم ضمن حدیثی که از یحیی بن یحیی و ابوبکر بن ابی شیبه¹⁶ و هردوی شان از ابی الاحوص و او از ابراهیم بن مهاجر و او از صفیه دختر شیبه و او از حضرت عائشه (رض) روایت نموده آورده و می گوید: داخل شد بر پیامبر اسلام (ص) اسماء بنت شکل و پرسان نمود: یا رسول الله چگونه غسل نمایم زمانیکه از حیض پاک می شوم؟ و طبق نوشته صاحب الاصابه بعضی از محدثین او را از زنان انصار گفته اند اما محقق نیست.

اما ابو علی جبائی می گوید: احتمالاً وی همان اسماء دختر یزید بن سکن است و نام پدرش از سند افتاده و بجایش اسم جد وی آمده و در نگارش اسم جدش نیز تغییر وارد گردیده و او منسوب به وی شده است همین مطلب را خطیب ابوبکر بغدادی¹⁷ نیز آورده و می گوید: در شمار انصار کسی را نیافتیم که اسم وی شکل باشد و تنها به همین صورت قصه در صحیح البخاری آمده است که زنی از انصار همین موضوع را از رسول الله (ص) پرسان نمود و همین مطلب را ابو الفتح بن سید الناس نیز تبعیت نموده است که در آن تأمل باید کرد و علامه دهخدا نیز در لغت نامه اش به نقل از کتاب منتهی الارب از اسماء دختر شکل یاد نموده و می نویسد: اسماء بنت شکل یکی از زنان صحابیه است.

(الاستیعاب جلد چهارم صفحه 346 ، الاصابه صفحه 1631 و 1632 ، أسد الغابه جلد هفتم صفحه 10 و 11 ، حياة الصحابیات صفحه 55 ، لغت نامه دهخدا جلد دوم صفحه 2473 و جلد نهم صفحه 14401 به نقل از کتاب منتهی الارب)

اسماء دختر صلت سلمی

در اسم و شرح حال اسماء دختر صلت سلمی اختلاف است. احمد بن صالح مصری می گوید: اسماء دختر صلت سلمیه از جمله ازواج پیامبر اسلام (ص) بوده و قتاده روایتی شبیه آنرا آورده است اما ابن اسحاق می گوید: وی همان سناء دختر اسماء بن صلت سلمی است که پیامبر اسلام (ص) با وی ازدواج نمودند و بعداً او را

¹⁶ ابوبکر بن ابی شیبه عسبی کوفی: حافظ عبدالله بن محمد بن ابی شیبه (ابراهیم) بن عثمان عسبی کوفی مکنی به ابوبکر و معروف به ابن ابی شیبه از علمای بزرگ عصر خود بوده که در سال 235 هجری قمری وفات یافته است و تصانیف وی عبارت اند از: تفسیر قرآن، کتاب الاحکام، کتاب التاریخ، کتاب ثواب القرآن، کتاب الجمل، کتاب الرد علی من رد علی ابی حنیفه، کتاب السنن فی الفقه والحديث، کتاب الفتوح والمسنن فی الحديث. کشف الظنون حاجی خلیفه جلد پنجم صفحه 361

¹⁷ خطیب ابوبکر بغدادی شافعی: احمد بن علی بن ثابت بن احمد بن مهدی بن ثابت مکنی به ابوبکر و معروف به خطیب بغدادی یکی از مشاهیر ائمه ادب، فقه و حدیث بوده و از شیوخ عصر خویش به شمار می رفت وی در سال 392 هجری قمری متولد گردید و در نزد علمای بغداد، بصره، دینور و کوفه علوم متداوله را فراگرفت و در سال 415 هجری قمری عزم زیارت خانه خدا کرد و باز برای فرا گرفتن علم و دانش به نیشابور رفت و پس از دفع فتنه بساسیری در سال 451 به بغداد باز گشت و در آنجا اقامت گزید و در سال 463 هجری قمری وفات یافت.

خطیب ابوبکر بغدادی را تالیفات بیشماری است که از جمله می توان از اینها نام برد: تاریخ بغداد در چندین جلد، کتاب شرف اصحاب الحديث، کتاب الجامع الاخلاق الراوی، آداب السامع، کتاب الکفایة فی معرفة علم الروایه، کتاب المتفق والمتفرق، کتاب السابق واللاحق فی تفسیر القرآن، کتاب تلخیص المتشابه فی الرسم، کتاب فی التلخیص، کتاب الفصل والوصل، کتاب المکمل فی بیان المهمل، کتاب الفقیه والمتفق، کتاب الدلائل والشواهد علی صحة العمل بالیمین مع الشاهد، کتاب عنیة المقتبس فی تمیز الملتبس، کتاب الاسماء المبهمة فی الابناء المحکمة، کتاب الموضع و هو او هام الجمع والتفریق، کتاب المونتف تکملة المختلف والموتلف، کتاب نهج الصواب فی ان التسمية من فاتحة الكتاب، کتاب الجهر بالبسملة، کتاب الخیل، کتاب رافع الارتیاب فی القلوب من الاسماء والالقاب، کتاب القنوت، کتاب التبیین الاسماء المدلسین، کتاب تمیز المزیذ فی متصل الاسانید، کتاب من وافق کنیته اسمایه، کتاب من حدث فنی، کتاب روایة الآباء عن الابناء، کتاب الرحلة فی طلب الحديث، کتاب الرواة عن مالک بن انس، کتاب الاحتجاج للشافعی فیما اسند الیه والرد علی جاهلین بطعنهم علیه، کتاب التفصیل لمبهم المراسیل، کتاب اقتضاء العلم العمل، کتاب تقييد العلم، کتاب القول فی علم النجوم، کتاب روایات الصحابه عن التابعین، کتاب صلاة التسبیح، کتاب مسند نعیم بن همام، جزء کتاب النهی عن صوم یوم الشک، کتاب الاجازه للمعلوم والمجهول، کتاب روایات السنة من التابعین، کتاب البخلاء، کتاب الطفیلین، کتاب الدلائل والشواهد، کتاب التنبیه والتوقیف علی فضائل الخریف.

بعضی از علماء تالیفات خطیب ابوبکر بغدادی را 56 کتاب آورده اند و ابو الفرج می گوید: خطیب ابوبکر بغدادی یکی از شعراى عصر خود نیز بوده و شعری را از وی نیز نقل کرده است. و بنا به قول ابو الفرج خطیب ابوبکر بغدادی در اول بر مذهب احمد بن حنبل بود سپس به مذهب شافعی گروید چنانکه احمد بن حنبل را سید المحدثین و شافعی را تاج الفقهاء می نامیده است.

کشف الظنون حاجی خلیفه جلد پنجم صفحه 67 و 68
لغت نامه دهخدا جلد اول صفحه 1239 الی صفحه 1248

طلاق دادند و علی بن عبدالعزیز بن علی بن حسن جرجانی¹⁸ می گوید: وی همان سناء دختر صلت بن حبیب بن حارثه (جاریه) بن هلال بن حرام بن سماک بن عوف بن امرئ القیس بن بهته بن سلیم سلمیه بوده که پیامبر اسلام (ص) او را به نکاح گرفتند اما قبل از رسیدن به وی او را طلاق کردند و ابن عبدالبر قرطبی از قول علی بن عبدالعزیز جرجانی آورده است: که وی قبل از یکجا شدن با پیامبر اسلام (ص) وفات یافته است. ابو عمر می گوید: کسانی که اسم او را سناء گفته اند درست تر است و در سبب جدائی پیامبر اسلام (ص) از وی نیز اختلاف بوده و سند ثابتی نیامده است. (الاصابه صفحه 1632، الاستیعاب جلد چهارم صفحه 346 و 347، أسدالغابه جلد هفتم صفحه 11، حیاة الصحابیات صفحه 54)

اسماء دختر عبدالله تیمی

اسماء دختر عبدالله بن عثمان تیمی همان اسماء دختر حضرت ابوبکر صدیق و زوجه زبیر بن عوام و مادر عبدالله بن زبیر می باشد که شرح حال وی قبلاً گذشت. (الاصابه صفحه 1632)

اسماء دختر عبدالله بن مسافع

اسماء دختر عبدالله مسافع بن ربیع و مادر قیس بن مخرمه بوده و از وی حسان بن ثابت در اشعارش نام برده است. (الاصابه صفحه 1632، حیاة الصحابیات صفحه 57)

اسماء دختر عدی بن عمرو

اسماء دختر عدی بن عمرو را ابن حجر عسقلانی در کتاب الاصابه بطور جداگانه نام برده اما باز می نویسد که شاید وی همان اسماء دختر عمرو بن عدی بن نابی بن سواد بن غنم بن کعب بن سلمه انصاری سلمی باشد. (الاصابه صفحه 1632)

اسماء دختر عمرو انصاری سلمی

اسماء دختر عمرو بن عدی بن نابی بن سواد بن غنم بن کعب بن سلمه انصاری سلمی مکنی به ام منیع بوده و مادر معاذ بن جبل (رض) می باشد و ابن اسحاق به سند صحیح به نقل از کعب بن مالک آورده است که اسماء موصوفه و نسبیة دختر کعب به همراه هفتاد نفر از مردان در بیعت عقبه حاضر بودند.

و صاحب کتاب التجرید می گوید: بعضی از مؤرخین اسم او را اسماء دختر عدی بن عمرو آورده اند و اما ابن اثیر جزری در کتاب أسدالغابه می نویسد که اسماء دختر عمرو دختر عمه معاذ بن جبل بوده و از جمله کسانی است که در بیعت عقبه با پیامبر اسلام (ص) بیعت کردند و عبدالله بن کعب بن مالک انصاری روایت نموده است از پدرش کعب که وی از جمله کسانی است که با پیامبر اسلام (ص) در عقبه بیعت نمودند و قصه بیعت عقبه را آورده و می گوید: مردم در نزدیک عقبه جمع شدند و ما هفتاد و دو نفر بودیم هفتاد مرد و دو زن به نامهای نسبیة دختر کعب مکنی به ام عماره و اسماء دختر عمرو بن عدی بن نابی زنی از زنان بنی سلمه و کنیه وی ام منیع بود..... الحدیث. و ابو نعیم اصفهانی در کتاب معرفة الصحابه می نویسد: اسماء دختر عمرو بن عدی سلمی انصاری از جمله کسانی بود که در بیعت عقبه با رسول الله (ص) حضور داشتند. و حبیب بن حسن¹⁹ از محمد بن یحیی و او از احمد بن محمد بن ایوب²⁰ و او از ابراهیم بن سعد و او از محمد بن اسحاق

¹⁸ علی بن عبدالعزیز جرجانی شافعی: علی بن عبدالعزیز بن حسن بن علی بن اسماعیل جرجانی شافعی مکنی به ابوالحسن فقیه، ادیب، شاعر، مورخ، مفسر، خطاط و نویسنده بود. وی در زمان صاحب بن عباد عهده دار امر قضاء در ری گردید و در همین شهر در 23 ذی الحجه سال 392 هجری قمری یا به قولی 366 در گذشت و جسد او را به جرجان (گرگان) منتقل کردند اما حاجی خلیفه در کتاب کشف الظنون وفات او را در سال 392 هجری قمری در شهر نیشابور گفته و آورده است که از آنجا تابوت او را به جرجان انتقال دادند و حاکم ابو عبدالله بن بیع در تاریخ نیشابور وفات او را در سال 366 هجری قمری به عمر 76 سالگی آورده است. تألیفات وی عبارت اند از: تفسیر قرآن مجید، تهذیب التاریخ، کتاب الوکالة، الوساطة بین المتنبی و خصومه. و ابو اسحاق شیرازی در طبقات ذکر او را آورده و می گوید او را دیوان شعری است و ثعالبی از او بسیار تجلیل کرده و در شعر او را همدریف تالی بحتری و در نثر او را جاحظ دوم می شمارد. کشف الظنون حاجی خلیفه جلد پنجم صفحه 548

لغت نامه دهخدا جلد اول صفحه 427 و جلد دهم صفحه 16100

¹⁹ حبیب بن حسن قزار: حبیب بن حسن قزار مکنی به ابوالقاسم از ابوالقاسم کجی و دیگران حدیث شنیده. حمای، ابونعیم و دیگران از او نقل کنند. برقانی او را ضعیف دانسته. ابن ابی الفوارس و خطیب بغدادی در تاریخ بغداد و ابونعیم در حلیة او را ثقت دانسته اند. وفات او به سال 359 هجری قمری واقع گردیده است.

همچنین محمد بن احمد بن حسن از محمد بن عثمان بن ابی شیبه و او از منجاب و او از ابراهیم بن یوسف و او از زیاد بن عبدالله بکائی و او از محمد بن اسحاق روایت نموده که گفته است: معبد بن کعب²¹ بن مالک بن ابی کعب قین برادر خاندان سلمه گفته است که برادرش عبیدالله بن کعب که از داناترین انصار بود روایت نموده که پدرش کعب بن مالک که از اشتراک کنندگان بیعت عقبه بوده و با رسول الله (ص) بیعت کرده بود.

برای او جریان بیرون شدن خود و قصه عقبه و بیعت ایشان با رسول الله (ص) را گفته و آورده است که جمع شدیم در دره میان دو کوه در نزدیک عقبه و ما هفتاد مرد بودیم که به همراه ما دو زن نیز حضور داشتند و آنها نسبیبه دختر کعب مکنی به ام عماره یکی از زنان خاندان عامر بن نجار و اسماء دختر عمرو بن عدی بن نابی مکنی به ام منیع یکی از زنان خاندان سلمه بودند اجتماع کردیم و در همان دره منتظر رسول الله (ص) ماندیم تا آنکه رسول الله (ص) به همراه عموی خود عباس بن عبدالمطلب تشریف آوردند و ذکر قصه عقبه و بیعت با رسول الله (ص) را بیان نموده است.

و بعضی از متأخرین در حدیث بکائی به نقل از ابن اسحاق آورده اند که گفته است زهری از معبد بن کعب روایت نموده که ابو نعیم داخل کردن اسم زهری را در سند حدیث اشتباه می داند و می گوید: عامه اصحاب ابن اسحاق روایتش را مستقیم از معبد آورده اند بدون آنکه اسم زهری را ذکر کنند چنانکه گفته اند زیاد از ابن اسحاق و او از معبد روایت نموده است بدون زهری. صاحب کتاب ریحق المختوم نیز از اسماء دختر عمرو انصاری سلمی نام برده و نگاشته است: اسماء بنت عمرو مکنی به ام منیع از بنی سلمه و از زنان صحابه می باشد وی از زنان انصاری است که در عقبه²² با پیامبر اسلام (ص) بیعت کرده اند و علامه دهخدا نیز در لغت نامه اش اسماء دختر عمرو سلمی انصاری را نام برده و می نویسد: اسماء بنت عمرو بن عدی بن یاسر بن سواد بن غنم بن کعب الانصاریه السلمیه مکنه به ام منیع مادر معاذ بن جبل می باشد.

(الاصابه صفحه 1632 ، الاستیعاب جلد چهارم صفحه 347 ، أسدالغابه جلد هفتم صفحه 12 ، حیاة الصحابیات صفحه 57 ، معرفة الصحابه جلد پنجم صفحه 187 و 188 ، ریحق المختوم صفحه 218 و 219 ، لغت نامه دهخدا جلد دوم صفحه 2473)

اسماء دختر عمرو بن مخربه

اسماء دختر عمرو بن مخربه را ابن حجر عسقلانی در کتاب الاصابه بطور جداگانه نام برده اما باز می نویسد که وی همان اسماء دختر مخربه است که شرح حال وی خواهد آمد.
الاصابه صفحه 1632

لغت نامه دهخدا جلد ششم صفحه 8656 به نقل از لسان المیزان جلد دوم صفحه 170
²⁰ احمد بن محمد بغدادی: احمد بن محمد بن ایوب بغدادی مکنی به ابو جعفر و مشهور به وراق بوده و صاحب مغازی می باشد. نامبرده از ابراهیم بن سعد و ابوبکر بن عیاش حدیث روایت نموده و از ابوبو داوود یک حدیث در باره اذان و یعقوب بن شیبه و علی بن عبدالعزیز بغوی و ابویعلی و دیگران روایت نموده اند.
ابن سعد وفات او را در شب سه شنبه چهار شب باقیمانده از ماه ذی الحجه سال 228 هجری قمری گفته و حافظ محمد بن حبان بستی در کتاب تقریب الثقات می نویسد: احمد بن محمد بن ایوب وراق از اتباع تابعین و از اهالی بغداد بوده و در سال 228 هجری قمری وفات یافته است.

تهذیب التهذیب جلد اول صفحه 112 ، تقریب الثقات صفحه 191

²¹ معبد بن کعب انصاری سلمی مدنی: معبد بن کعب بن مالک انصاری سلمی مدنی کوچکترین برادران خود بوده و از ابی قتاده، جابر و نیز از برادران خود عبدالله و عبیدالله حدیث روایت نموده و از او وهب بن کیسان، محمد بن عمر بن حله، علاء بن عبدالرحمن، ولید بن کثیر، ابن اسحاق، اسامه بن زید لیثی، عیسی بن معاویه و عقیل بن خالد روایت نموده اند. از وی بخاری یک حدیث روایت کرده است و محمد بن حبان بستی در کتاب تقریب الثقات می نویسد: معبد بن کعب بن مالک انصاری از جمله تابعین و از اهالی مدینه و از ثقات می باشد.

تهذیب التهذیب جلد پنجم صفحه 469 ، تقریب الثقات صفحه 1174

²² عقبه: عقبه مکانی در بین منی و مکه و فاصله آن تا مکه در حدود دو میل است در آنجا مسجدی است که در آن رمی جمره عقبه می شود. و در سال یازدهم بعثت پیغمبر اسلام (ص) در این عقبه با شش تن از اوس بر خورد نمودند و آنان را به اسلام فرا خواندند و این شش تن عبارت بودند از: اسعد بن زراره، قطیبه بن عامر بن حدیده، معاذ بن عفره، جابر بن عبدالله بن رناب، عوف بن عفره و عقبه بن عامر. و بیعت مشهور به بیعة العقبة الاولى است و این شش تن به مدینه باز گشتند و به تبلیغ اسلام پرداختند و در سال های بعد تعداد بیشتری از اوس و خزرج در این عقبه اسلام آوردند تعداد بیعت کننده گان را در بیعت دوم هفتاد تن و برخی هفاد و سه تن نوشته اند. بیعت عقبه نخستین بیعت در اسلام بود و از میان انصار آنکه لقب عقبی دارد در این ناحیه با پیامبر اسلام بیعت کرده است. و از آنجمله است: (لقد شهدت ليلة عقبه، و ما احب بيرا بيلها) زیرا بیعت عقبه نخستین بیعت در اسلام بوده است.
(لغت نامه دهخدا جلد دهم صفحه 15984 به نقل از معجم البلدان و منتهی الارب)